

## جنگ چینی یا سفینه ایلانی (پوسی)

قسمت دوم

یادداشت‌هایی است از مسافرتی که در همصحبتی  
محمدنقی دانش‌پژوه در خرداد ماه ۱۳۵۹  
در شهرهای چین کردم. در قسمت اول  
اشاراتی به سوابق ارتباط فرهنگی ایران و  
چین شد و شرحی دربارهٔ وضع کتابخانه  
ملی آن کشور گفته‌ام و اینک دنبال آن  
مبحث.

نسخ خطی فارسی

در این کتابخانه بیش از ده نسخهٔ فارسی و ترکی نیست. از میان آنها کتابی که  
برای ما نادیده بود و تازه‌یاب ترجمهٔ «عقدالفرید للملک السعید تألیف سالم بن ابی طلحه  
است که اتفاقاً دوبار و به قلم دو نفر ترجمه شده. نسخهٔ موجود حاوی هر دو متن است.  
ابتدا ترجمه‌ای است که محمد امین ابن بزرگ خواجه، خجندی مقلّب به گاشف انجام داده و  
فقط باب پنجم آن است. مترجم ابیاتی فارسی جای جای بدان الحاق کرده است.

ترجمهٔ دیگر از محمد عیسی بن ابوالقاسم خان اریقی است و در عهد محمد یعقوب بیک  
بهادرخان غازی و به تمایل او ترجمه و تألیف شده است و تاریخ تألیف آن درین رباعی آمده:

عزم کردم به حل عقد فرید صبح تاریخ او ز دل بدمید

از پس غیب هاتفی گفتا فارسی کن کتاب نقد فرید

مترجم نام کتاب را «نقدالفرید فی حل عقدالفرید» گذاشته است. کتاب عقدالفرید در

اخلاق دینی است.

آغاز رسالهٔ اول چنین است: «آرایش حدایق کلام متانت اساس به رنگین ازاهیر حمد و  
سپاس خداوند بی مانند است.

آغاز رسالهٔ دوم: «سپاس بی‌قیاس و ثناء بی انتها نثار بارگاه مقدس مالک الملکی  
که اساس قلعهٔ وجود انسانی را به معمار لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم در غایت  
حسن صورت و لطافت سیرت بیافرید...»

انجام نسخه: به این سنت سنیهٔ عدل و انصاف موفق داراد و از کدورت اندیشهٔ

ظلم و اعتساف خواطر ایشان را الی ابدالآباد نگهداراد، بالنبی و آله‌الامجاد صلی الله علیه و علی آله و اصحابه الی یوم‌التناد.

### خصوصیت نسخه های خطی اسلامی به کتابت چینیان

نسخه های خطی فارسی و عربی را که در چین موجودست هم از لحاظ متنی باید شناخت و هم از لحاظ ظاهری، تا دانست که فرهنگ ایرانی خواه از راه ماوراءالنهر و خواه از راه دریا با چه نوع فکر ها و با چه زمینه های تعلیماتی در سرزمین چین ماوا گرفته. البته مظاهر فرهنگ ایرانی اسلامی را در بنای مساجد و نقوش و خطوط سنگ قبرها و کتیبه ها هم می بینیم، ولی در نسخه های خطی بصورت بهتری دیده می شود. نخستین مظهر تأثیر فرهنگ ایرانی وجود چند نسخه خطی از کتابی است به نام منہاج‌الطلب تألیف محمدبن حکیم الزینیمی الشندوبی الصینی که در سال ۱۰۷۰ در اصول‌دستورزبان فارسی تألیف شده و به لحاظ آنکه نسخ متعدد از آن (هم در مسجد - پکن و هم در انجمن اسلامی پکن و هم در دانشگاه) دیده شد و همه نسخ آن از حیث کتابت به یک اسلوب تحریر شده نشانی است از آن که این کتاب درسی عام بوده است و طلاب مدارس آن را می خوانده اند و مؤلف هم عالمی بوده است از سر زمین چین (اگر چه نتوانستیم با پرس و سؤال بدانم که شهرزینیم و شندوب در کجای چین واقع بوده است). بهر حال از اینکه مؤلف خود را "چینی" نامیده است معلوم است که در چین اقامت داشته. این کتاب دستور زبان فارسی از اولین نوشته های است که برای آموختن زبان فارسی تألیف شده است. آقای دگتر جواد شریعت نخستین بار آن را در مجله راهنمای کتاب (سال بیستم) به ایرانیان شناسانید.\*

دومین نشانه تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی بیشتر بودن نسخ خطی فارسی نسبت به نسخ عربی است.

مميزات و مشخصات آن قسمت از نسخ موجود در چین را که در همین سر زمین کتابت شده در نکات زیر می توان تشخیص داد.

۱ - دولا بودن کاغذ نسخه ها - کاغذهای کتابت در چین نازک است و معمول چنان بوده و هست که کتابهای چینی را بریک روی این نوع از کاغذ کتابت می کرده اند و می کنند. این شیوه در کتب مطبوع هم رعایت می شده. برای آنکه در موقع ورق زدن سمت سفید اوراق کتاب دیده نشود یک برگ کاغذ را یک تا می زدند (به اندازه ای که

\* اکنون که این یادداشت ها چاپ میشود منہاج‌الطلب به تصحیح ایشان در اصفهان چاپ شده.

قال مَنَعَتْ عَيْنِي بَكَرِيًّا سَوْرَةَ النَّاسِ اللَّحْمُ مَتَّعَنِي بِالسَّمْعِ وَالْبَصَرِ فَأَنَا طَائِلٌ بِئِ  
 فِي صَفْوَةِ الْقَبْرِ د كِتَابِ هِنْدِي سَاوَرَنِ اسْتَرْوَزِ سَوْرَةِ عَمِ دِرْجَايِ .  
 مَغْرِبَتْ يَكْرِ بُو سَتَا فِ بَزِيدِ وَ دِرْوِي كَوْنِ كَوْنِ دِرْخِ بَزِيدِ وَ دِرْ دُرْخَانِ  
 كَوْنِ كَوْنِ سَبْعِ بُو دِرْ هُو لَكُلْهَا بَزِيدِ سَوْرَةِ عَمِ دِرْ اَشَادِ بَشَدِ بَعْدَ اَزْ اَنْ  
 يَكْرِ كِيَا هِ رَا دِرْ دِرْوِي كَلَانِ بَزِيدِ اَزْ كِيَا هِ دِرْ يَكْرِ كَرِ سَوْرَةِ عَمِ بَزِيدِ يَكْرِ اَنْ كِيَا هِ رَفْتِ  
 وَ دِيدِ وَ اَنْ كِيَا هِ رَا نَامِ بَنِي كَوْنِ بَسْرِ سَوْرَةِ عَمِ سِرِّ رَا بَجْنِيَا نَدِ وَ دِلِ  
 اَوْرَا  
 بَجَلِكْرِ شَدِ وَ دِرْ جِشْمِ وَ كَابِ هَارِ دِنِ كَرِ سَتِ اَبُو يَكْرِ سَوْرَةِ عَمِ رَا بَرِ سِيدِ يَا  
 سَوْرَةِ اَبِ جَرِ كَرِ سَتِ سَوْرَةِ عَمِ كَفْتِ اَخِرَ الزَّمَانِ اَمْتَانِ مَنَ اَزْ بَزِيدِ كِيَا هِ  
 خُورْدِنِ هِيَا كَرِ نَدِ دُرْ دُرْ اَزْ دِهَانِ وَ بَسْتَانِ بِيَرِ وَ زَكْرِ نَدِ اَيْشَانِ  
 سِتِ كَرِ دِرْ اَسْمَانِ بَسْتِ وَ دِرْ تَوْبِ نِيَرِ بَسْتِ شَدِ تَوْبِ اَيْشَانِ رَا  
 قَبُولِ نَكْنَدِ اَيْشَانِ اَزْ مَنِ بِيغْبِرِ بِيَزَارِي شَدِ نَدِ بَعْنِ اَزْ شِفَاعَتِ مَنِ  
 بِيَزَارِي شَوْنَدِ سَوْرَةِ عَمِ كَفْتِ مَنِ اَلَّا اَلْبَيْحُ كَمَا يَا اَلَّا لَحْمِ الْخَنزِيرِ بِيَرِ اَيْضًا  
 مَنِ اَلَّا اَلْبَيْحُ فَهَوُ بَلْعُوْنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَمَامِ شَدِ



# الحمد لله الذي جعل

صالح

لِيُحْمَدَ عَلَى يَدَيْهِ الْغَنَارُ وَيَسْتَأْذِنَ الْكَبِيرُ وَمَدَّ أَيْدِي نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاِبْرَارِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

عَلَى الْاَوْفَاقِ الْمَبْرُجَةِ الْاٰخِيَارِ وَكَارِنَتْ سَيِّدَهُ طَرِيقَتَهُم بِالْمِيَادِ وَالنَّهَارِ سَلَّتْ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

رَأْسَهُ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ فَرِيدَتْ بِهِمْ خَطَايَا بَعْضِهِمْ كَمَا أَنْشَأَ مِنْهُمْ اِحَادِيثَ سَيِّدِ الْاِسْلَامِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

عَلَى مَدَى اَيْدِيهِمْ وَكَارِنَتْ اِجْمَعِينَ جَوَازِ اِشْرَاقِ اَيْدِيهِمْ طَائِفَ اِزْمَاحِ اِسْمِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

بِهِ لِيُظْهَرَ اِسْتِثْنَاءُ اَلَّذِي تَمَّ دَوْمٌ وَشَرُوعُ كَيْدِهِمْ سِتْعِيَانًا بِاَيْدِيهِمْ وَسَائِلًا

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

لِلصَّوْرِ عَلَى بَارِيٍّ وَالثَّوَابِ عَلَى بَانُوٍّ وَيَتَضَرَّعُ وَابْتِهَالُ كَفِيَّتِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

بَلَدًا نَافِخًا بِرُخَاطِمْ رَاهٍ بِدَارِ اِزْمَاحِ اِسْمِ اَلَّذِي تَمَّ دَوْمٌ وَشَرُوعُ كَيْدِهِمْ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

عَرِيضَةً اَلَّذِي يَرِيحُ مِنْ جَانِبِ كَلِّهِ بِبَارِعِ وَرُكُودِ اِنْ بَدَّ جِهَانِ اِسْمِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

جَوْ قِيَامُ عِيَانِ كَيْدِيَارِيٍّ بِبَارِ اِي تَانِ كَوْعَرِ تَاجَةِ دَارِيٍّ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

## الحديث الاول

عَنْ ثَابِتِ النَّبَايِيِّ بْنِ اَنْبَسِ بْنِ نَالٍ مَضَاهِ عَنْهُ قَالَ خَطَبَنَا رَسُولُ اَللّٰهِ

عبد اللطيف  
عطا  
عزير  
عيسى  
عيسى

صالح

قرار بود کتاب نویسانیده و میباید (و آن سمت از اوراق را که لبه‌اش باز بود طرف عطف کتاب قرار می‌دادند و می‌دوختند. نتیجه آنکه لبه برونین کتاب آن طرف از ورق کاغذ بود که تا خورده بود. این رسم تهیه کاغذ در کتاب نویسی بود. اما نسخه‌های فارسی نوشته در چین، به ملاحظه آنکه کتابهای پرداخته بلاد اسلامی بر دو روی کاغذ بود، دو رویه نوشته شده است و به منظور رفع عیب نازگی کاغذ دو کاغذ را بهم می‌چسبانیده اند و بر دو طرف آن می‌نوشته‌اند.

۲ - شیوه خاص خط و نوعی تمایل کرسی حروف به سمت چپ و شباهت آن به خطوط نسخ قدیمی حدود ماوراءالنهر.

۳ - محدود بودن تعداد نسخه های رقم دار کاتب.

۴ - کتابت نسخه‌ها مربوط به قرون دوازدهم به بعدست.

۵ - چون کتابها اغلب درسی بوده است بسیاری از نسخه‌ها دارای ترجمه لغات و عبارات به زبان چینی است و معمولاً "کلمات چینی به صورت آوانویسی فارسی (خط ما) بین‌السطور آمده است و گاه هم به خط چینی ریز در کنار سطور و یا بین سطور نوشته شده و ازین حیث اهمیت دارد که از آنها می‌توان لغتنامه‌ای برای فارسی و چینی مستعمل در آن قرون فراهم ساخت.

نسخه های فارسی جمع شده در چند مرکز را که دیدم بر چند گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف - کتب دینی یعنی فقه و کلام: مانند ترجمه مختصر الوقایه، روضة المصلی، ترغیب الصلوة، ادلة الشرع والسنن، عمدة الاسلام، صلوة مسعودی، معرفة المذهب، سراج الدین، مبکیات، تحفة المجالس، مجموعه خانی برای بهرامشاه.

ب - اخلاق دینی: تنبیه الغافلین (شانزده فصلی دو نسخه)، روضة اللطایف علی ابن بهاء الدین بن جمال الدین خجندی، فوز النجاة (دو نسخه)، حقائق، فردوس الـوا - عظیم، ارشاد (علم و معرفت و عطف) از خطیب ابومحمد عبدالله بن محمد القلانسی النسنسی، بیان معرفت ایمان.

ج - سرگذشت حضرت رسول و احادیث: معارج النبوه فراهی، شرح عرفانی خطیب، الاربعین تاج الدین حافظی بخاری از حسام الدین بن علاء الدین النوجابادی از مریدان برهان الدین ساغرچی تألیف ۸۳۵ (چند نسخه)، غزوات حضرت رسول به اسلوب قصه گوئی، مولود مصطفی از سعید بن مسعود بن محمد بن مسعود گازرونی.

د - تفسیر لطائف البساتین (تفسیر سورة یوسف طوسی) (دو جلد)، تفسیر سیف الدین ابونصر احمد درستی بخاری، تفسیر زاهدی یا درواجگی (چند نسخه)، تفسیر بیضاوی.

هـ - تصوف: مرصادالعباد نجم‌الدین دایه (شش نسخه، قدیمیترین مورخ ۹۵۳) ،  
اشعة‌اللمعات (ده نسخه) ، مقصد اقصی نسفی (چند نسخه) ، لویح جامی ( ۲ نسخه) ،  
مرآة السالکین از هبة‌الله بن اسعد صوفی ، تذکرة الاولیاء عطار .  
و - ادبیات: گلستان سعدی (چهار نسخه) ، مقامات حریری با ترجمهء بین-  
السطور فارسی .



از دقتی کلی درین فهرست اجمالی نیک دریافت می‌شود که طلاب مسلمان چین به چه نوع کتابهایی علاقه داشتند و مروجین اسلام با چه فرهنگی توانستند تا به اقصی نقاط چین آن را ببرند . بیشتر زبان فارسی بود که عامل این کار واقع می‌شد . تفصیل علمی کتابشناسی این نسخه ها و مقداری دیگر را که دیده شده آقای محمد تقی دانش-پژوه در فهرست جداگانه مندرج خواهد کرد و در دفتر نشریهء نسخه های خطی به چاپ میرساند که جایش آنجاست و خواستاران این نوع مطالب بدان مراجعه خواهند کرد .  
درین جا مناسب است که گلمه‌ای چند در بارهء کتابهای فارسی چاپ چین و بعضی کتابها که با معارف اسلامی و ایرانی مرتبط است نیز گفته شود . اینها کتابهایی است که اکثر آنها را در انجمن اسلامی پکن دیدم و چندتایی در مسجد بندر-گانتن .

#### کتابهای فارسی و عربی چاپ چین

قبلاً" به این نکته اشاره کنم که در میان کتابخانهء مخبرالسلطنه هدایت که توسط کتابفروشی ابن سینا در سال ۱۳۳۳ به فروش رسید نسخه‌ای از یکی ازین کتابها رادیده بودم و برای کتابخانهء دانشکدهء حقوق و علوم سیاسی خریداری کردم . و درین سفر در جستجوی یافتن آن بودم تا بالاخره در کتابخانهء انجمن مذکور به دست افتاد و آن بنام کتاب کیمیای الفارسیة بود . مخبرالسلطنه در سفر به چین در همراهی اتابک امین‌السلطان ( در سال ۱۳۲۳ قمری) نسخه‌ای از آن را با خود به ایران آورده بود . این کتاب در تعلیم زبان فارسی و عربی است به اسلوب چاپ قلمکاری ( باسمه ) و به شکل و شمایل کتابهای چینی تجلید شده است . مؤلف کتاب حاج محمد نورالحق ابن لقمان‌الصینی است و کتابش در سال ۱۸۹۵ طبع شده . از همین مؤلف کتاب دیگری بر همان سرو وضع به طبع رسیده که سال طبعش معلوم نیست . حاوی دو کتاب است یکی کتاب‌الفصل در ایمان و دیگری تفصیل‌الایمان .

رَبِّهِمْ اسْرَاقِيلَ بِمَنْ هَبْ كَيْتَبَ رُكُو

# ذِكْرُ مَا ارَادَ ابْنُ تَهْمَالِي

بِحَالِ عَقْبِ اسْرَاقِيلَ وَسَيَانِ اللَّهِ تَعَالَى شَرِيحًا

اسْتَهْدَى ابْنُ تَهْمَالِي نَدَانَهُ بِمَنْ هَبْ كَيْتَبَ تَعَالَى اللَّهُ أَعْلَى

## بِالْصَوَابِ مِنْ خَاتَمِ

قَالَ الْعَامِلُ الْحَاجُّ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَقِّ بْنِ تَهْمَالِي

أَعْلَى مِنْ كِتَابِ الْفَضْلِ مَشْهُورٌ فِي بِلَادِ الْمَدِينِ

تَوَارَتْهُ الْعُلَمَاءُ مِنْ الدُّهْرِ السَّابِقَةِ إِلَى الْآنِ

وَمَا فِيهِ شَرٌّ مُخَالَفًا لِلْأَكْبَرِ الْمَشْهُورَةِ فِي الدِّينِ



光緒甲午孟秋新鑄

天方學人滇南致本氏馬聯元述



教款捷要

棋陽榮木林氏納聯芳資刊

## دانشگاه پکن

در کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه پکن فقط دوازده نسخه خطی هست. در این دانشکده یازده زبان تدریس می‌شود از جمله فارسی و اردو و عربی. از میان نسخه‌های خطی آنجا، آنچه چشمگیر بود دو کتاب است.\*

یکی کتابی است در اخلاق دینی و عرفانی. تألیف ابو محمد عبدالله بن محمد قلاسی. اتفاقاً از این کتاب دو نسخه درین کتابخانه هست و بعضی عبارات و اشعار آن که یادداشت برداری شد نقل می‌شود تا راهنمای دست یافتن بر مطالب و مضامین آن و وسیله شناخت کتاب با نسخ دیگرش باشد.

چنانکه ابواسحق بشاغری رحمه الله گفته است که دل مؤمن همچون رباطی است و هر کسی به رباط فرود آید و بروند و لکن آنک رباطیان بود پیوسته (در نسخه دیگر پیوسته) در رباط بود. اکنون بنده را تأویل باید کردن که در غالب حال دل خویش را به چه مشغول باید داشت.

و بسا کسا که گشت گرد و ندرود و بسا کسا که گشت نا کرده درود، و گفته‌اند که یکی بکوشد و نپوشد و یکی نکوشد و بیوشد.

چندبار شعر از خواجه حکیم (ظاهراً خواجه محمد بن علی حکیم ترمذی) نقل شده است.

درین کتاب اشعار زیاد بدون نام شاعر آمده است، مانند:

هر چند که آن مرد گلانتر شود خوی بدش نیز گران تر شود

هر چه خورد مردم نادان خورش از او طعم خوی بدش گیرد از آن پرورش

اشعاری که از آفرین نامه تألیف پدرش نقل می‌کند، متعدد است. گاه اشعار را بطوری نقل کرده است که سروده خود مؤلف می‌نماید. از آن جمله است: گویند مرا جهید کی و خواسته کرد آر...

## مسجد پکن و انجمن مسلمانان

سراسر بنای مسجد از چوب است به شکل دیگر ابنیه چین و از حیث تزیینات مانند کیهای زیاد به معابد بودائی دارد، با تفاوت اینکه نقوش حیوانی مثل اژدها و پرنده در مسجد نیست. همه نقوش هندسی و رنگین است.

\* چون تفسیری درباره آندودر آینده (۹۱:۷) داده‌ام اینجا به بعضی ناگفته‌هایم پردازم.

امام مسجد عدهٔ مسلمانان چین را در حال حاضر یازده میلیون گفت. نیمی در ترکستان اند و نیم دیگر در شهرهای دیگر چین.

در مسجد هزار نسخهٔ خطی موجود است. از یک عنوان تا بیست نسخه هم هست. زیرا کتابهای درسی بوده که درینجا جمع‌آوری شده است. از کتابهای درسی مجموعه‌ای است به نام "اساس‌العلوم" که همانندست با جامع‌المقدمات رایج در مدارس قدیمهٔ ایران. طلبه‌ها درس را با اساس‌العلوم آغاز می‌کرده‌اند. ترجمهٔ کامل قرآن به زبان چینی کار جدیدست. اما سابقهٔ ترجمهٔ قرآن در چین، قدیم‌تر است. قسمت‌هایی از قرآن در حدود چهارصد سال پیش ترجمه شده بوده است. ترجمهٔ کامل همین متنی است که پس از انقلاب چین انجام شده. قرآن بعربی در سال ۱۳۱۳ قمری در سی جزیرهٔ در چین طبع شده بود. چندین نوع رساله خاص آموزش نماز به خط عربی در چین به طبع رسیده بود.

انجمن اسلامی پکن اکنون در محلی است که سابقاً "محل مدرسهٔ دینی بوده‌است". نمای بنا به مساجد هندی شباهت دارد.



نقشی که پشت سرنشستگان (علمای انجمن اسلامی، زینک استاد فارسی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج‌افشار) دیده‌می‌شود قطعهٔ خطی است به اسلوب نقاشی که بنا به گفتهٔ اعضای انجمن کلمهٔ «یا مصطفیٰ» است و خطاطی چینی نقش کرده‌است.

رئیس انجمن به نام حاجی محمد علی گفت که ما اصطلاحات فارسی را در آداب دینی خود نگاه داشته ایم و این اصطلاحات از راه ماوراءالنهر به این صفحات آمده است مانند: نماز بامداد، نماز پیشین، نماز دیگر ...

علمای دینی این خطه در گذشته فرا گرفتن فارسی و زبان عربی را برای تعلیم لازم می‌دانسته‌اند. مدرسه دینی جدید در ۱۹۵۵ تأسیس شد اما در دوره انقلاب فرهنگی متوقف بود. به تازگی انجمن اسلامی به تجدید حیات آن مدرسه اقدام کرده است. تعداد دانشجویان این مدرسه قبل از انقلاب ده نفر بوده. چهار مدرس مصری هم به چین آمده بودند. دوره تحصیلات درین مدرسه چهار سال بود. فارغ‌التحصیلان مدرسه پس از اكمال تحصیلات به کار امامت مساجد در بلاد چین می‌پرداختند.

از میان استادان آنجا ابراهیم را که استاد تاریخ اسلام است دیدیم. از مطالعات خاص او تحقیق در روابط مذهبی میان چین و ایران است. می‌گفت که در این زمینه تألیفی دارد که در چند فصل است. خلاصه‌ای از سخنانش را که معجلاً ضبط کردم چنین است.

#### کتاب مناسبات ایران و چین

مناسبات میان چین و ایران از ۳۰۶ ق.م. الی ۶۱۸ میلادی (یعنی دوره سلسله هان چین و اشکانیها). چینیه درین دوره مملکت ایران را Inshi می‌گفته‌اند. اما از قرن سوم میلادی نام ایران میان چینیه به Po-Si بدل شد و صورت معمول‌تر بود. ولی Prass هم گفته شده است.

طبق تواریخ چین، اولین مرآوده چین با ایران در زمان امپراطور هان و Han-vu بود. او سفیری به نام سانگ جن Sang-Chen بممالک غربی چین فرستاد. سفیر در سال ۱۳۸ قبل از میلاد به مدت ده سال در مأموریت بود. این سفیر بود که اولین بار نام اشکانیان را به چین رسانید. همین شخص در سال ۱۱۹ قبل از میلاد مجدداً به همان نواحی که قبلاً سفر کرده بود مسافرت کرد. در تواریخ آمده است که شاه اشکانی در بازگشت سفیر، بیست هزار نفر را به استقبال او فرستاد.

فصل دوم رساله به مناسبات میان چین و ارمنستان در عصر ساسانی اختصاص دارد. روایط چین و ایران در قرون هفتم تا دهم میلادی قسمت سوم رساله است. درین دوره بیشتر تجار بودند که به چین مسافرت می‌کردند. اسلام در همین دوره به چین وارد شد. در سال ۳۱ هجری بود که عثمان سفیری از راه دریا به چین فرستاد. این مطلب در اسناد رسمی چینی که در قرن دهم چاپ شده بود ضبط است.

به مناسبت آنکه در آن عصور تجار و صرافان توانگر ایرانی زیاد به چین می‌آمدند یکی از شاعران چینی (میان ۸۱۵ تا ۸۵۸ میلادی) ضمن شعری سروده است: "در ایران هیچ تهی دست نیست". درین دوره بین دو بندر سیراف و گانچو رفت و آمد زیاد بود. سیراف در تلفظ و ضبط کتب چینی بصورت silovi دیده می‌شود. تجار سیرافی در میان چینیان شهرت بسیار داشتند. تجار ایرانی از چین، بیشتر عسود و دارو و سنگهای قیمتی می‌خریدند. سکه‌های ساسانی که در مناطق مختلف چین مثل هنان، سین جان، قنصو، سن‌شی، ترکستان پیدا شده است همه یادگراز همان سفرهای تجار ایرانی است.

در قسمت چهارم کتابم از سالهای ۹۰۷ تا ۱۳۶۸ میلادی که به دوره سلسله‌های سونگ و یوئن مرتبط است سخن می‌گویم. شاعر معروف چین لی‌شین Li-shin که گفتیم پدرش ایرانی بود درین دوره زندگی می‌کرد. خواهر شاعر به نام چینی Li-sen-chen با شاهزاده‌ای در ولایت سی‌چوان ازدواج کرد. قسمتی از اشعار شاعر که در وصف مناظر طبیعی استان سی‌چوان است در سال ۱۶۰۲ به طبع رسیده. او کتابی هم در طب تألیف کرده بود. چینیهیا او را "لی‌پوس" می‌گفته‌اند، یعنی لی ایرانی (فارسی). ما معتقدیم که درین قرون بعضی واژه‌های چینی به ایران رفته است مثل پایزه (در چینی paizeh) و چاو، همانطور که صنایع کاغذ سازی و چینی سازی هم بطور وسیعی از چین به سرزمینهای غربی رفت.

در قرون چهاردهم تا هفدهم - دقیقاً سالهای ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی - یکی از بزرگترین واقعه‌ها آن بود که یک چینی مسلمان به اسم "زن‌خه" با یک کاروان گشتی هفت بار به طرف مغرب سفر کرد و چند بار به هرمز وارد شد. در همین دوره از ارتباط چین با اصفهان اطلاعاتی ذکر شده است. نام اصفهان در منابع چینی این قرون بصورت I-Si-fu-han ضبط شده است و می‌دانیم سفیری از ایران به چین آمد که شیر و ببر با خود ارمغان آورده بود و پادشاه چین در قبال آن نقره و طلا به پادشاه ایران فرستاد.

در سال ۱۴۸۳، سفرائی از اصفهان و سمرقند با اسب تازی و شمشیر و حریرهای ایرانی به دربار چین آمدند. همیشه حریر ایرانی در چین بسیار گرانیها و تحفه بود. آنچنان که به هنگام وارد شدن تحفه‌های ازین دست آنها را با هفت اسب که نشانه اعزاز تمام بود حمل می‌کردند.

در تاریخ سلسله چینی مینگ نوشته‌اند که عده‌ای چینی در قرن پانزدهم به شیراز و کرمان رفته بودند. نام کرمان را در منابع چینی Ji-ar-Man نوشته‌اند. اینجا فوراً به یاد باستانی پاریزی افتادم که قطعاً ازین نکته صدبار فخر بر یزدیها و آملیها خواهد

فروخت. درین مراوده چینیهها مشک وچینی میفرستادند و ایرانیان پوست حیوانات گرانیهها. ارسال ابریشم چین از راه ایران موضوع خاص فصل ششم است. جاده ابریشم که از شهر سیان شروع می شد در چین دو شاخه داشت و در ایران به یک راه تبدیل می شد. ورود ابریشم چین به ایران ازین طریق موجب ترقی صنعت حریر بافی ایران شد. در اواخر عصر ساسانیان بود که ایرانیان هنر پرورش کرم ابریشم را آموختند و پارچه هایی می- بافتند که بسیار ظریف و گرانیهها بود و آن بافته ها در چین خواستار وافر داشت.

☆☆☆

انگورو یونجه و اناروگردو، اسفناج از گیاهایی است که از ایران به چین آورده شد. نام اسفناج در چینی سیزی فارس po-sa است. اناردر چینی دو کلمه دارد؛ یکی shirio است یعنی میوه، شاشی (که طبعاً از چاچ، ناشکنده آمده است) ، و دیگری An-shirio یعنی میوه اشکالی.

از امتعه چینی ماده ساختن باروط ( برف سفید ) ، فلح ، دارچین ، زنجبیل ، ربوند چینی ، به ایران برده شده است.

چوگان بازی را چینیان از ایرانیان فراگرفتند. مطره ای از چوگان بازی درنقاشی دیواری مقبره یک شاهدخت چینی که از اواخر قرن هفتم میلادی است دیده می شود. امپراطور مینگخوا از سلسله نانگ در قرن هشتم به این بازی بسیار علاقه داشت.

دنباله دارد



باسه نفر از مدیران کتابخانه ملی